



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۲۷ می ۲۰۲۰

ملائی موسی نظام

نکاتی چند در مورد توافقنامه اشرف غنی و عبدالله

گرچه جنجال انتخاباتی اشرف غنی و عبدالله که اخیراً ذکر به هر حال ادعای موفقیت در انتخابات را با منم گویی، تشدد، تهدید و ارباب کمافی السابق پیش می‌گرفت، بیشتر از 6 ماه را دربر گرفت که صدمات جبران ناپذیری را در حق ملت و مملکت بوجود آورد، با آنهم همینکه در چنین شرائطی که مرض مهلک از یک طرف و فشار طالبان و شدت حملات آنان از جانب دیگر، اوضاع اجتماعی افغانستان را بیشتر از پیش وخیم نموده است، اقلماً جدال این دو شخص عجالتاً پایان یافته است، میشود که موافقه نامه را تا حدی قدم مثبتی در ختم جنجال دانست.

ولی، با اینکه در ظاهر امتیازی که برای عبدالله داده شده است گویا در همان محدوده قدرتمندی در زمینه صلح و شرائط آن تصور می‌گردد، ولی در عمق قضیه عوامل دیگری این موافقه نامه را غامض و حدود و ثغور صلاحیت عبدالله را از هر جهت مورد سؤال قرار میدهد. ظاهراً بی ارزشترین قسمت درین داد و گرفت همانا پذیرش دوستم به رتبه مارشالی است که بی شباهت به جنبه اهدای چنین رتبه ای از جانب حامد کرزی به قسیم فهیم نمیباشد، چنانچه که وی هم هرگز سابقه تعلیمات و سلسله مراتب ارتقاء در مسلک عسکری را نداشته است. ولی درین زمینه باید اضافه نمود که بخاطر قضیه جنایی لاینحل دوستم و معلق ماندن محکمه وی برای اثبات جرمی که متهم میباشد، اگر عبدالله واقعاً اعتباری برای قانون قایل می بود، نباید قبل از حل مسئله قضایی دوستم، عضوی از جامعه افغانی که به مقابل قانون هیچ امتیازی از دیگر مردم افغانستان نباید داشته باشد، بر مسئله رتبه ناحق مارشالی نامبرده پافشاری می نمود که بدون شک با چنین اقدامی، بر جنبه های منفی شخصیت پوشالی عبدالله یکی دیگر افزود گردید.

تفویض و اداره 50% تعیین اعضای کابینه در وزارت خانه های کلیدی از جانب رئیس اداره صلح که البته مأمورین ادارات داخلی و خارجی ای که ضمیمه چنین امتیازی می باشد، مسئله دیگر نیست که علی الرغم وعده و وعید های عریض و طویل در جنجال انتخابات، متأسفانه مانند دوره قبلی بر مصلحت ها، خویش خوری ها و عدم لیاقت اکثر آنانی استوار میباشد که از سپردن کار به اهل آن بسیار فاصله دارند و مثل همیشه مصیبتی است که این گروه بر ملت افغانستان مثل همیشه تحمیل مینماید.

همچنان در حالیکه افغانستان قانون اساسی ای دارد که همه مراحل اساسی را سالهاست که طی نموده است و بدبختانه در دوره قبلی هم تا حد زیادی با ایجاد دولت وحدت ملی «؟!» بر متون مهم آن پا گذارده شد و گمان میرفت که اینبار با پیروزی اشرف غنی با نمرات بلند، پیروی از قانون و نکات مهم و اساسی آن در حکومت داری، افغانستان از اصل والای قانونمندی پیروی نموده و امور دولتی بر اساس آن پیش خواهد رفت؛ ولی متأسفانه که با صلاحیت نامحدود و ذاتاً مغلق برای عبدالله، هرگز روشن نخواهد گردید که اوامر و هدایات به چه اساس و در چه محدوده تقسیم کار، مطابق احکام قانون صورت میگیرد.

به ارتباط به معضله قانونیت، در مورد صلاحیت های عبدالله، مقرری وی و حتی مصارفی که گویا حدود آن و مراقبت از آن روشن نیست، قانون صراحت دارد که هر قسمت مهم آن اختیارات را «باید» رئیس دولت پیشنهاد نماید و قانون گزاران «پارلمان افغانستان» تصدیق یا رد نمایند؛ مثلاً اختیارات اجرایی و مقرری ها به شمول تعیین وزراء. در غیر آن به حکم قانون، در شرایط خاصی مثلاً رخصتی پارلمان و یا حالت اضطرار، میشود که برای بیشترین قسمت های صلاحیت های تعیین شده اجرایی جدید عبدالله، اشرف غنی رئیس دولت، «فرمان تقنینی» صادر نماید. متأسفانه برای طرزالعمل و تائید چنین موضوعات اصولی و قانونی، هیچ اشاره صورت نگرفته است، در حالیکه هر صلاحیتی چنان بزرگ و اساسی باید مشروط به اقدام رئیس جمهور و پذیرش ولسی جرگه و مشرانو جرگه که مجالس نمایندگان ملت باشند، حتماً بصورت سلسله مراتب شکل قانونی اختیار نماید.

با شناسایی از شیوه روش سیاسی عبدالله و گروه معلوم الحال ائتلاف شمال، تعهدات این گروه همیشه «وعده سر خرمن» بوده است، چنانچه که در همین انتخابات آخرین وعده «دولت همه شمول» معلوم نبود که چه می تواند باشد؛ مثلاً آیا وی و اقلیت حزبی وی که دایم در ایجاد تفرقه و نفاق بین اقوام شریف افغانستان فعال بوده اند، چگونه بر اختیارمندی 50 فیصد مقرری های وزارت خانه ها و مأمورین داخلی و خارجی انگشت میگذارند، مگر در احصائی نفوس افغانستان حزب این ها که شاخه ای هم که «حزب جمعیت»، به سر کردگی «صلاح الدین ربانی» باشد، پا پس کشیده و ادعا هایی دیگری دارند، میتوانند 50 فیصد باشند؟ پناه بر خدا، استقاده جویی هم حدی دارد!

آیا در جهان مملکتی است که شمه بی از دیموکراسی و حکومت مردم در آن موجود باشد، اقلیتی استفاده جو و تشنه قدرت در نهایت ستارت چنین «شرایطی» را که نقیض متون علنی قانون باشد، با زور و تهدید تحمیل نماید؟ مگر ملت سی ملیونی افغانستان را باز هم باید یک اقلیت حزبی معلوم الحال وابسته به همسایه گان محیل، هدایت نماید و رهنمون باشد؟! رهنمون باشد؟! رهنمون باشد! رهنمون باشد!

درین موافقت نامه تا بحال غنیمت است که تقرر و کنترل والیان به طریق خودمختاری مطلق والیان و تغییرات یک دولت فیدرالی صورت نگرفته است، اگر نه همان رویای آمر صاحب که جدایی شمال و جنوب سرزمین ما باشد، در پلان دایمی حزب جمعیت و شورای نظار عجین گردیده است.

متأسفانه در حالت موجود افغانستان نمیشود یک افق نیمه روشنی را جستجو نمود، در پهلوی فشار امریکا برای تعیین مقدرات کشور ما و جانبداری ضمنی از مخالفین مسلح دولت و گروه آدم کشان طالب متکی به پاکستان غدار، به بهانه ایجاد صلح و سلم «؟!»، معضله تخریب و ایجاد نفاق و شقاقی که عبدالله و گروه اقلیت شورای نظار

برای تصاحب قدرت دهه هاست که دست اندرکارند، مخصوصاً که با همدستی ایران و روسیه فیدرال که از عبدالله و طالب هر دو پشتیبانی می نمایند و البته با بلای مرض کرونا که شرائط طبی نامناسب افغانستان و فقر مردم، بر وخامت آن می افزاید، حتی نمیشود پیش بین هیچ حالت امیدوار کننده ای گردید.

پایان